

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۱۱، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۷ مرداد ۱۳۷۶

همبستگی گسترده با مبارزات کارگران ایرانی و حقوق بشر در ایران

درص ۳

در این شماره

ترکیب احتمالی کابینه خاتمی

درص ۲

۵۸ درصد کاهش حقوق کارگران

درص ۲

زندگی دهقانان و شرایط کشاورزی در

درص ۵۰۴ صفحات

رژیم «ولایت فقیه»

مبارزه قهرمانانه زندانیان سیاسی ادامه دارد

بر اساس گزارش های رسیده مبارزه دلیرانه زندانیان سیاسی در زندان های تهران، شیراز، اصفهان، اهواز و تبریز علی رغم فشارهای رژیم همچنان ادامه دارد. بر اساس آخرین خبرها پروانه علی پور، دانشجوی دانشگاه جندی شاپور که یکسال و نیم پیش به دلیل هواداری از سازمان فدائیان (اقلیت) دستگیر شده بود، ششمین زندانی سیاسی است که به دلیل اعتصاب غذا جان خود را از دست داده است. همچنین بر اساس گزارش «جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران-کلن»: «وضع فرج سرکوهی همچنان مبهم و خطرناک است، احکام اعدام مکرر در هفته های اخیر در مورد زندانیان سیاسی صادر شده، در اصفهان هفت زندانی سیاسی (یکی از آنها به نام محسن تونوی) اعدام شده اند... اخبار جدید حاکی از قطع ملاقات ها (حداقل در زندان تبریز) و انتقال ۲۷ زندانی از این زندان به نقطه ای نامعلوم (وضع جسمی این ۲۷ زندانی در اثر اعتصاب غذای طولانی روبه وخامت گذارده است) دستگیری مجدد گروهی از زندانیان سیاسی سابق و نیز اعمال فشار به خانواده های زندانیان جهت عدم انتقال اخبار به خارج از کشور دارد...»

تشدید فشار علیه زندانیان در شرایطی صورت می گیرد که رژیم زخم خورده و هراسناک از توهنی بزرگ مردم در جریان انتخابات ۲ خرداد سخت خشمگین است. دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه دلیرانه آنان در شرایط دشوار شکنجه و فشارهای روحی و جسمی از جمله وظایف درنگ ناپذیر و اساسی است که همه نیروهای ملی و آزادی خواه کشور می بایست فوراً و متحداً در تحقق آن بکوشند. نباید اجازه داد که بار دیگر رژیم ضد مردمی در پشت دیوار های سکوت گروهی از انسان های مبارز و آزادی خواه را کشتار کند و فاجعه ای جدید بیافریند. مبارزه برای گسترش کارزار بین المللی دفاع از زندانیان سیاسی و اعمال فشار بر رژیم، از طریق فشار بر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان عفو بین المللی و تماس با سازمان ها و نیروهای مترقی جهان برای بسیج افکار عمومی و رساندن صدای مبارزین دربند به گوش جهانیان از جمله وظایف درنگ ناپذیری است که توده ای ها در هر کجا که هستند در تحقق آن خواهند کوشید.

پایان يك دوران

نگاهی به کارنامه هشت ساله «سردار سازندگی» رژیم

مجلس همیشه خواست های اساسی دولت برای اجرای برنامه ها را پذیرفته و انشالله این همکاری در دوران مسؤولیت آقای خاتمی ادامه یابد که کشور بتواند راه دشوار خود را در برابر فتنه های وسیع استکبار پیماید و به اهداف عالی انقلاب برسد...»
رفسنجانی در ادامه سخنان خود مدعی شد که دولت او توانسته است در دوران هشت ساله خود وضع اقتصادی-اجتماعی ایران را دگرگون کند، کسری بودجه ۵۱ درصدی سال ۱۳۶۷ را به صفر برساند، مشکل نیروی انسانی را حل کند، تورم را پایین بیاورد، بیکاری را کاهش داده و در راه فقر زدایی و عدالت اجتماعی گام های مهمی بردارد و ایران را از یک کشور وارد کننده به یک کشور صادر کننده تبدیل نماید.

اما واقعیت کدام است و این دوران هشت ساله حکومت رفسنجانی را چگونه می بایست ارزیابی کرد. هشت سال پیش در پی مرگ خمینی هاشمی رفسنجانی در یک زدوبند پشت پرده با خامنه ای رهبری جمهوری اسلامی را بین خود و «ولی فقیه» تقسیم کرد و به عنوان یکی از اساسی ترین شخصیت ها و ستون های رژیم «دوران نو» بی را در تاریخ جمهوری اسلامی آغاز نمود. کم نبودند نیروها و شخصیت های سیاسی که در ابتدای این روند، از رفسنجانی به عنوان چهره «رفرمیست» رژیم و کسی که قصد دارد روند «خمینی زادی» را در ایران سازمان دهی کنند نام بردند و روند تحولات را به سمت رفرم های اساسی، باز شدن جامعه، استقرار

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، روز سه شنبه ۳۱ تیرماه مراسم مفصلی، با حضور مقام های کشوری و لشگری و خبرنگاران داخلی و خارجی در تجلیل از «سردار سازندگی» در مجلس شورای اسلامی برگزار شد. ناطق نوری رئیس مجلس در تجلیل از رفسنجانی گفت: «تجلیل از هاشمی رفسنجانی که در سخت ترین شرایط، مسؤولیت هدایت قوه مجریه را پذیرفت، کمترین وظیفه ای بود که همه ما می بایست انجام می دادیم...» و سپس اشاره کرد که: «اطاعت از مقام رهبری بزرگترین رمز موفقیت هاشمی رفسنجانی در طول هشت سال دوران ریاست جمهوری اسلامی ایران بوده است...» وی همچنین مدعی شد رفسنجانی «سخت ترین شکنجه ها را در دوران شاه تحمل کرد، اما این آرزو بر دل رژیم پهلوی ماند که یک جمله از وی اعتراف بگیرد...». حسن روحانی نایب رئیس مجلس نیز در سخنان خود ضمن تأیید سخنان رئیس مجلس از جمله افزود: «تلاش مستمر برای اقتدار اسلام، عشق مخلصانه به مردم، هدایت کشور در مسیر سازندگی، جذب تمامی نیروهای فنی و فکری، بینش عمیق سیاسی، توان فوق العاده در تصمیم گیری مسایل پیچیده و ویژگی های دیگر، نام هاشمی رفسنجانی را به عنوان یکی از معماران تمدن بزرگ اسلامی معاصر و قهرمان ملی ایران در تاریخ به ثبت رساند...».

رفسنجانی نیز در پاسخ به این «حسن لطف» نمایندگان، از جمله گفت: «این مطالب ظاهراً نوعی ارزیابی فعالیت های دولت است اما من این کارها را عملکرد مجموعه نظام می دانم» و افزود

ادامه در صفحات ۶ و ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



فهرست های گوناگون از اعضای احتمالی کابینه در هفته های اخیر فهرست های گوناگونی از اعضای احتمالی کابینه خاتمی در تهران منتشر شد که حائز اهمیت است. روزنامه «اخبار» در شماره دوشنبه ۳۰ تیرماه خود فهرستی را منتشر کرد و نوشت: «محافل سیاسی دیروز آخرین ترکیب احتمالی وزرای کابینه آینده را با توجه به انتشار برخی لیست ها به این شرح اعلام کردند:

آموزش و پرورش - کاظم اکرمی، دکتر فانی، علوم و آموزش عالی - کمال خرزای، عارف، بهداشت و درمان - فرهادی، وزارت امور خارجه، امین زاده، کمال خرزای، محمد صدر، وزارت کشور - عبدالله نوری، موسوی خوئینی ها، محمد صدر، مسکن و شهر سازی - کرباسچی، وزارت صنایع - صفایی فراهانی، وزارت تعاون - شافعی، حاجی، وزارت کشاورزی - زالی، سلامتی، کلاتری، وزارت کار و امور اجتماعی - ربیعی، کمالی، وزارت جهاد و سازندگی - بی طرف، معادن و فلزات - صادقی، اقتصاد و دارایی - مظاهری، نمازی، محمد شریعتمداری، پست و تلگراف - دکتر عارف، وزارت نفت - بهزاد نبوی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، موسوی لاری، پورنجاتی، مهاجرانی، جامعی، وزارت دفاع دریادار شمخانی، وزارت بازرگانی - محمد شریعتمداری، رئیس سازمان برنامه و بودجه، مظاهری، رئیس کل بانک مرکزی - نمازی یا نوربخش...»

کهبان نیز در شماره ۳۰ تیرماه خود فهرست مشابهی را انتشار داد که تفاوت های اساسی آن در اسامی زیر است: «وزارت کشور - محتشمی، عبدالله نوری، خوئینی ها، وزارت اطلاعات - مسیح مهاجری، خوئینی ها، مجید انصاری...»

همچنین روزنامه های تهران گزارش دادند که علی رغم دیدارهای متعدد خاتمی با نمازی برای قبول پست وزارت دارایی و موسوی برای پذیرش پست معاون اول ریاست جمهور هیچیک تاکنون حاضر نشده اند این پیشنهادها را قبول کنند. از فهرست های منتشر شده روشن می گردد که در صورت اعلام چنین ترکیبی، اکثریت آن با افراد شناخته شده رژیم که عمدتاً در کابینه موسوی خدمت کرده اند، می باشد.

«حداقل مزد کارگران در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۵۸، ۵۸ درصد کاهش یافته است»

محسن خواجه نوری معاون تنظیم روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در تهران اعلام کرد که: «حداقل مزد روزانه کارگران در سال های پس از انقلاب از ۵۶۷ ریال در سال ۵۸ به ۶۹۰۷ ریال در

سال ۱۳۷۵ رسیده است که بیانگر یازده برابر افزایش است... در عین حال با توجه به رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (میزان تورم)، چنانچه حداقل مزد روزانه کارگران در سال ۱۳۷۵ را با این شاخص تعدیل کنیم، نسبت به سال ۱۳۵۸، حدود ۵۸ درصد کاهش را نشان می دهد.

این هم يك نمونه جالب از دست آوردهای «سردار سازندگی» در تأمین عدالت اجتماعی

سرویس اقتصادی روزنامه همشهری در شماره سه شنبه ۳۱ تیرماه خود خبر داد که یک خریدار دیروز در بورس تهران ۳۱ میلیون سهم را یکجا خرید. بر اساس همین گزارش «دیروز در بورس تهران تعداد ۳۲ میلیون و ۱۲۰ هزار سهم از سهام شرکت های پذیرفته شده به ارزش بیش از ۶۱ میلیارد ریال داد و ستد شد که از این تعداد ۳۱ میلیون و ۷۵۰ هزار سهم مربوط به شرکت نیرو محرکه بود که به ارزش ۶۰ میلیارد ریال در یک نوبت و برای یک نفر خریداری شد» !!!

البته روزنامه همشهری اشاره نکرد که این هم وطن «مستضعف» که شاید از «سربازان گمنام امام زمان» و یا «انصار»، بستگان و یا نزدیکان این «سربازان» باشد که بود که از چنان توان مالی برخوردار است که می تواند که در یک روز ۶ میلیارد تومان سهم خریداری کند. راه اندازی بازار بورس تهران از «افتخارات» دولت رفسنجانی است و این معامله کلان را هم لابد باید از نمونه های جالب تحقق «عدالت اجتماعی» در «نظام نمونه» جهان ارزیابی کرد.

بوی نفت و دخالت های روز افزون انحصارهای امپریالیستی در منطقه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد جمهوری های مستقل در مرزهای غربی ایران در کنار کشف ذخایر عظیم نفت و گاز در دریای خزر، سبب شده است که شرکت های فراملی و انحصارهای نفتی منطقه دریای خزر و آسیای میانه را به عنوان یکی از مهم ترین و استراتژیک ترین مناطق جهان در آستانه هزاره سوم ارزیابی کنند و تهاجم بی سابقه ای را به این منطقه برای تأمین منافع استعماری خود تدارک ببینند که نمی تواند اثرات مخربی بر حیات میهن ما و آینده تحولات منطقه نداشته باشد. در هفته های اخیر رسانه های گروهی جهان خبر دادند که گروهی از سرشناس ترین سیاستمداران سابق آمریکا، از جمله بیکر وزیر سابق امور خارجه، کیسنجر و برژینسکی به شکل فعالی به صورت مشاوران دولت آمریکا و انحصارهای نفتی در منطقه فعالیت می کنند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی در خبری که روز ۳۱ تیرماه مخابره کرد، از باکو خبر داد: «برژینسکی مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا در دیدار با حیدر علی اف رئیس جمهور آذربایجان، روابط دو کشور را استراتژیک خواند... بر اساس این گزارش «برژینسکی گفت: روابط دو کشور صرفاً دو جانبه نیست بلکه اهمیت استراتژیک دارد... وی همچنین ابراز امیدواری کرد، در دیدار با علی اف اطلاعات جدید در مورد مسایل منطقه کسب کند.

علی اف ضمن استقبال از سفر مجدد برژینسکی گفت: این سفر به سفر قریب الوقوع وی به آمریکا

کمک خواهد کرد...»

گوشه ای از عملکرد دولت در دادگاه مدیر مسؤول ماهنامه صبح

در پی شکایت غرضی وزیر پست و تلگراف علیه ماهنامه صبح دادگاه رسیدگی به این شکایت برگزار شد که حاوی افشاگری های جالبی بود.

بر اساس گزارش روزنامه سلام سه شنبه ۲۴ تیرماه نصیری مدیر مجله صبح در دفاع از مطالبی که در ماهنامه صبح در مورد عملکرد وزارت پست و تلگراف آمده بود از جمله گفت: «اصل ۵۳ قانون اساسی می گوید درآمدهای دولت باید به حساب خزانه داری کل واریز شود ولی سال ها صد ها میلیون دلار و مارک از این حساب ها بر خلاف قانون هزینه گردیده اند... ۲۴ تن از نمایندگان مجلس چهارم با حکم کارشناسی در وزارت پست و تلگراف و تلفن مشغول کار شدند در حالی که یکی از آنها دارای مدرک ششم ابتدایی است...»

غرضی در دفاع از خود با عصبانیت گفت: «صد ها میلیون دلار بی حساب و کتاب خرج کردن یعنی چه؟ من انتظار دارم مسأله به طور دقیق مورد مطالعه قرار گیرد. یعنی دولت بی حساب و کتاب است؟ وزیر بی حساب و کتاب است...»

بر اساس همین گزارش دادگاه پس از استماع گزارش طرفین «نصیری را به خاطر اهانت به غرضی مجرم شناخت» لکن به دلیل انگیزه های خیرخواهانه متهم به اتفاق آراء وی را شایسته تخفیف دانست...»

«اسلامی کردن» دانشگاه ها و عکس العمل های آن

روزنامه های مجاز کشور، ۲۶ تیرماه، گزارش دادند که هیأت رییس و معاونان دانشکده ها و مراکز تحقیقاتی دانشگاه صنعتی شریف با ارسال نامه ای به رفسنجانی ضمن اعتراض شدید به رییس این دانشگاه خواستار برکنار شدن او شدند.

در بخش هایی از این اعتراضیه می خوانیم: «قریب دو سال از عمر مدیریت جدید دانشگاه صنعتی شریف می گذرد و طی این مدت... بدبینی، رواج برخوردهای غیر مستعارف با دانشگاهیان اعم از اعضای هیأت علمی، کارمندان و دانشجویان... تأثیرات نامطلوبی گذاشته است و گویی مدیریت دانشگاه اثبات و عزت خود را تنها نفی دیگران جستجو می کند که نتیجه آن برخوردهای دفعی و حذفی با نیروهای مخلص شده است...»

نامه در انتها خواستار برکناری فوری ریاست دانشگاه است زیرا در غیر این صورت: «ممکن است با شروع سال تحصیلی، دانشگاه ها دچار بحران های غیر قابل پیش بینی و غیر قابل کنترل شود که در این صورت ادامه فعالیت های آموزشی با موانع جدی روبرو خواهد شد...»

لازم به تذکر است که شورای دانشکده مهندسی برق این دانشگاه قبلاً با انتشار بیانیه ای اعلام کرده بود که «کلیه فعالیت های آموزشی دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف به خاطر تعرض به حرمت اساتید و کارمندان دانشگاه و سوء مدیریت فعلی تا زمان برکناری ریاست دانشگاه متوقف خواهد بود».

همبستگی گسترده با مبارزات کارگران ایرانی و حقوق بشر در ایران

• رهبران ۱۶ اتحادیه کارگری بریتانیا به نمایندگی از سوی میلیون ها کارگر رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کردند

• اعتراض های وسیع در فرانسه، آلمان و بریتانیا

دبیر کل اتحادیه بی.اف.ای. دبلو.یو (با ۲۹/۸۶۸ عضو)
دبیر کل اتحادیه ب.کتو (با ۲۹/۳۵۷ عضو)
دبیر کل اتحادیه ان.یو.جی (با ۲۱/۸۷۳ عضو).

• روزنامه «مورنینگ استار» ارگان حزب کمونیست بریتانیا، نیز با عنوان درشت نوشت: «اتحادیه های کارگری از مبارزه در ایران حمایت می کنند». این روزنامه ضمن چاپ خبر اطلاعیه مطبوعاتی کمیته دفاع از حقوق مردم ایران در بریتانیا، از خوانندگان خود خواست تا نامه های اعتراضی خود را به سفارت ایران در لندن ارسال کنند.

• همچنین بر اساس گزارش رسیده از سوی «جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران-کلن»، روز ۱۲ ژوئیه، بیش از ۱۵۰ تن از هموطنان ایرانی با پلاکاردها و اعلامیه های شخصی و گروهی خطاب به دولت آلمان، شهروندان آلمانی و ایرانیان مقیم این کشور، خواهان تلاش برای نجات جان زندانیان سیاسی که در اعتصاب غذا به سر می برند و همچنین دفاع از فرج سرکوهی نویسنده در بند ایرانی شدند.

• گروهی از هموطنان مقیم فرانسه نیز در یک گردهمایی در روز یکشنبه ۲۰ ژوئیه در پاریس، همبستگی خود را با زندانیان سیاسی قهرمان که دست به اعتصاب غذا زده اند اعلام کردند و «خود را شریک غم و درد خانواده های پنج زندانی سیاسی دلاوری دانستند که در اعتصاب غذا جان باخته اند...». در ادامه این قطعنامه ضمن خواستن آزادی فوری زندانیان سیاسی اعلام می شود که: «ما مصرانه خواهان تشکیل یک دادگاه بین المللی برای رسیدگی به کلیه جنایات سران رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران هستیم».

ادامه شرایط دهقانان و کشاورزی ...

کشاورزی و سرانشیب نگران کننده بخش کشاورزی در تولید درآمد ملی. گواه این حقیقت است که باقیاء و دوام رژیم «ولایت فقیه»، آینده میهن ما، بطور جدی تهدید می شود.

طرد رژیم «ولایت فقیه» و زدودن آثار زیان بار بر این رژیم از حیات اقتصادی - سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، نخستین پله در راه پیشرفت میهن ماست و راه را برای تغییرات بنیادین بسود زحمتکشان جامعه و برقراری عدالت اجتماعی می گشاید. امروزه، ضرورت اصلاحات ارضی مترقی بیش از هر زمان دیگری احساس می شود، خیانت گردانندگان رژیم «ولایت فقیه» به آرمانهای انقلاب از جمله جلوگیری از به اجرا در آمدن اصلاحات ارضی، مهمترین عامل در فقر و تیره روزی دهقانان ایران است. میلیونها دهقان کم زمین و بی زمین کشورما، تنها از راه انجام قاطع و بیگیراصلاحات ارضی مترقی به حقوق حقه خود می رسند و نیز بخش کشاورزی شکوفا و فعال می گردد. حزب ما، همواره بطور خستگی ناپذیر و استوار برای انجام اقدامات انقلابی و ترقی خواهانه بسود زحمتکشان روستا بویژه اصلاحات ارضی مترقی، مبارزه کرده و می کند. دهقانان ایران، نقش فوقالعاده مهم در تحولات آینده بردوش خواهند داشت و از مره نیروهای محرکه دگرگونی های

در هفته های اخیر کارزار دفاع از حقوق بشر و دفاع از آزادی های دموکراتیک در میهن ما ابعاد گسترده و وسیعی به خود گرفته است. در یک حرکت بی سابقه روسای اتحادیه اکثریت قریب به اتفاق اتحادیه های کارگری در بریتانیا با امضای بیانیه مشترکی حمایت خود را از کارگران ایرانی اعلام کردند. کمیته دفاع از حقوق مردم ایران در بریتانیا در اطلاعیه خبری که روز ۱۵ ژوئیه برای خبرگزاری های جهان ارسال کرد اعلام نمود: «اتحادیه های اساسی کارگری در بریتانیا که ۸۰ درصد نیروی کار سازمان یافته در بریتانیا را زیر پوشش خود دارند عدم رضایت خود را از رفتار دولت ایران علیه کارگران ایرانی اعلام کردند». آقای نول هریس از چهره های برجسته جنبش کارگری در بریتانیا و دبیر کل کمیته دفاع از حقوق مردم ایران ضمن اعلام خبر این همبستگی بی سابقه اتحادیه های کارگری بریتانیا از جمله گفت: «مبارزه در راه حقوق اولیه اتحادیه های کارگری در ایران، بخش اساسی از مبارزه برای پایان دادن به سرکوب خونین حقوق بشر در ایران است...».

خلاصه ای از متن بیانیه مهم رهبران اتحادیه های کارگری بریتانیا به همراه اسامی رهبران و اتحادیه ها به شرح زیر است:

«هجده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی، سرکوب سیستماتیک حقوق بشر، شامل حقوق اتحادیه های کارگری، در ایران فراگیر است. زیر پا گذاردن حقوق زنان، سرکوب وحشیانه حقوق اقلیت های ملی و مذهبی سیاست رسمی رژیم حاکم بر ایران است. دولت جمهوری اسلامی ایران از تأسیس اتحادیه های مستقل کارگری جلوگیری می کند، حق آزادی بیان را نقض می کند و با خشونت جلوی تأسیس هرگونه سازمان مستقل صنفی، حرفه ای و سیاسی را می گیرد... ما همبستگی و حمایت خود را از مبارزه کارگران ایرانی برای استقرار یک جامعه دموکراتیک، آزاد، عادلانه و پلورالیست اعلام می کنیم. ما از سازمان بین المللی کار می خواهیم تا از همه توان خود برای تأثیر گذاری بر سیاست های جمهوری اسلامی و رعایت آن کنوانسیون های سازمان بین المللی کار که جمهوری اسلامی نیز آنها را امضاء کرده است، استفاده کند.

ما خواهان قطع فوری شکنجه، دستگیری و محکوم کردن بدون حق دفاع از خود هستیم. ما خواهان تغییر قوانینی هستیم که علیه حقوق زنان و اقلیت های ملی و مذهبی تصویب گردیده اند. ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی ایران، احترام به حقوق بشر و خصوصاً حقوق کارگران در آزادی بیان و آزادی تشکل و تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری هستیم.»

امضا ها

دبیر کل اتحادیه یونسون (با ۱/۳۵۵/۳۱۳ عضو)
دبیر کل اتحادیه تی.ان.جی (با ۸۹۶/۵۵۰ عضو)
دبیر کل اتحادیه جی.ام.بی (با ۷۴۰/۳۱۹ عضو)
صدر اتحادیه ای.ای.یو (با ۷۲۵/۷۴۳ عضو)
دبیر ملی اتحادیه ام.اس.اف (با ۴۴۶/۰۰۰ عضو)
دبیر کل اتحادیه اس.دا (با ۲۸۳/۲۵۵ عضو)
دبیر کل اتحادیه س.دبلو.یو (با ۲۷۵/۰۵۵ عضو)
دبیر کل اتحادیه جی.بی.ام.یو (با ۲۱۶/۹۹۱ عضو)
دبیر کل اتحادیه یو.کت (با ۱۰۶/۵۵۸ عضو)
معاون دبیر کل اتحادیه نتفی (با ۷۰/۴۷۷ عضو)
دبیر کل اتحادیه ای.اس.تی.سی (با ۵۵/۱۰۰ عضو)
دبیر کل اتحادیه اف.بی.یو (با ۵۴/۴۰۷ عضو)
دبیر کل اتحادیه موزیسین ها (با ۳۳/۱۳۴ عضو)

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

زندگی دهقانان و شرایط کشاورزی

در رژیم «ولایت فقیه»

رکود بازار برنج به حدی است که قیمتها از سال گذشته هم به مراتب پایین تر آمده است. و به همین خاطر زندگی برنجکاری شرایط اسف باری یافته است... بسیاری از بازاریان وعمده فروشها و واسطه ها به جان کشاورزان افتاده و برنج را با قیمت اندک خریداری می کنند تا دارنبارها احتکار کنند... ابعاد مساله به قدری گسترده است که رژیم به ناچار وادار به واکنش گردید؛ در همین رابطه رئیس کمیسیون کشاورزی و عمران روستایی مجلس شورای اسلامی درنشستی با حضور عده ای از کشاورزان و کارشناسان منطقه شرق استان مازندران به منظور حل این مشکل اعلام کرده است: «کشاورزان نباید عجله کنند، دولت برای حمایت از برنجکاران امسال ۲۰ هزار تن برنج به کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر خواهد کرد!!! این یعنی وعده سرخرمن! وضعیت ناگوار دهقانان برنجکار و رکود کامل در تولید و فروش برنج، بطور عمده ناشی از واردات بی رویه برنج خارجی می باشد.

رهبان و مسوولان رژیم «ولایت فقیه» که در تبلیغات دروغین از بالندگی و شکوفایی بخش کشاورزی دم می زنند، دست در دست و با حمایت قاطع از تاجر محترم بازار و نیز واسطه ها با واردات بی رویه و انبوه محصولات غذایی بویژه برنج زندگی کشاورزان و تولیدات کشاورزی را به مرز فروپاشی کشانده اند. یک مقام مسوول در وزارت کشاورزی اعلام داشته است: «از اواسط دی ماه سال ۱۳۷۴ تا مرداد ماه امسال (یعنی به فاصله کمتر از ۷ ماه) بخش خصوصی تا اینکه بیش از ۲۸۷ هزار تن برنج به ایران صادر کرده است.»

انواع برنج وارداتی از تایلند، مالزی، پاکستان و... بطور مستمر و با حمایت دولت از طریق فروشگاه ها و شرکت های تعاونی در سطح کشور توزیع می گردد. چنین امکاناتی به سهولت در اختیار برنج داخلی و دهقانان برنجکار نیست. پیش از این، در اوایل سال جاری گروهی از نمایندگان استان مازندران در مجلس با ارسال نامه ای خطاب به رفسنجانی، خواستار عدم توزیع برنج صادراتی در فصل برداشت شده و به واردات بی رویه برنج خارجی انتقاد کرده بودند.

چنین وضعیتی، محدود به برنجکاران و زندگی و معیشت شالیکاران گیلان و مازندران نیست؛ بر اثر عملکرد مخرب رژیم و افسوسگرای «ولایت فقیه»، مجموعه دهقانان مهن ما و نیز تولید فرآورده های کشاورزی، چه در زمینه دامپروری - شیر - گوشت - پشم و چه در زمینه کشت گندم، برنج، حبوبات، باغداری و مرکبات و صیفی جات و سبزی رو به وخامت گذارده و دچار رکود و اضمحلال شده است! در شهریور ماه به رسم همه ساله در جمهوری اسلامی هفته دولت برگزار شد، مقامات و وکیلان و وزیران معمم و مکلا در نمایشگاه طرح های ملی و کارنامه هشت ساله سازندگی آمار و ارقام درشت اما بی بنیاد بسیاری ارائه کردند > در زمینه کشاورزی گفته شد: «میزان خودکفائی در کشاورزی در حال حاضر ۸۲ درصد است و تنها ۱۸ درصد از نیازهای غذایی کشور از خارج وارد می شود...» در همین مورد معاون امور حقوقی و امور مجلس و اطلاع رسانی وزارت کشاورزی اعلام داشت: «در طی سال ۱۳۷۴، ۱۱ میلیون و ۳۲۰ هزار تن گندم، ۸۵۰ هزار تن شکر، ۲ میلیون و ۵۴۰ هزار تن برنج و شلتوک، ۳ میلیون و ۴۲۰ هزار تن سیب زمینی و ۱۸۰ هزار تن دانه های روغنی تولید شده است...»

این آمار حتی اگر واقعی باشد، که در درستی آن می توان تردید جدی داشت باز هم نشانه فروپاشی و شرایط بسیار ناخوارده محصولات کشاورزی است. در این زمینه و بطور کلی زندگی و گذران دهقانان ایران در وضعیت کنونی آمار گوناگونی موجود است که گویای سیر نزولی در تولیدات کشاورزی و سقوط سطح زندگی روستائینان می باشد. درست به همین دلیل، عیسی کلانتری وزیر کشاورزی رژیم در ارتباط با واردات محصولات غذایی اعلام کرد: «در حال حاضر واردات مواد غذایی و کشاورزی ایران سالیانه بیش از ۱

وضعیت نابسامان کشاورزی در ایران، عدم حمایت دولت از تولیدات داخلی و روند مخرب ورود محصولات کشاورزی از خارج، در مجموع شرایط بسیار دشواری را برای میلیون ها خانواده روستایی ایجاد کرده است. فقر و محرومیت در روستاها بیداد می کند و بخش بزرگی از جمعیت روستایی کشور در زیر خط فقر با دشواری های طاقت فرسا برای تأمین یک زندگی حداقل برای خود و خانواده هایشان روبرو هستند. در ماه های اخیر اعتراف های سران رژیم پیرامون دشواری های جدی کشاورزان در بخش های کشت برنج، چغندر قند و گندم انعکاس وسیعی در رسانه های گروهی رژیم پیدا کرد. کاظم کاظمی مدیر سندیکای کارخانه های قند کشور با اعتراض می گوید: «واردات گسترده ایران قیمت جهانی شکر را بالا برد و به توان تولید داخلی لطمه زد» (همشهری ۱ اردیبهشت ماه ۱۳۷۶). بر اساس همین گزارش «در سال ۱۳۷۵ در مجموع ۳ میلیون و ۶۸۶ هزار تن چغندر قند و نیشکر در کشور تولید شد که از این میزان ۶۳۸ هزار تن قند و شکر استحصال شد که این رقم نسبت به سال ۷۴، حدود ۲۳۰ هزار تن کاهش نشان می دهد». به گفته کاظمی ۲۰۰ هزار تن کشاورز ایرانی در بخش کشت چغندر قند و نیشکر مشغول به کار هستند که با افت تولید در این زمینه با دشواری های زیادی روبرو خواهند شد.

کریمی نوری معاون وزیر بازرگانی و مدیر عامل سازمان غله کشور، در خرداد ماه سال جاری در شیراز اعلام کرد که قیمت هر تن گندم داخلی ۴۸۰ هزار ریال و قیمت هر تن گندم وارداتی ۱۵۰ دلار (و یا بر اساس نرخ رسمی برابری ارز ۴۵۰ هزار ریال) است. به عبارت دیگر هر تن گندم وارداتی ۳۰ هزار ریال ارزان تر از گندم تولید شده در داخل است و بی جهت نیست که در نبود سیاست مشخصی برای دفاع از کشاورزان میهن روند واردات کشاورزی از خارج دایما روبه افزایش است. مهندس جلال رسول اف معاون برنامه ریزی و پشتیبانی وزارت کشاورزی نیز در جمع خبرنگاران داخلی اعتراف کرد که میزان تولید گندم کشور ۲/۱ میلیون تن نسبت به برنامه پیش بینی شده کاهش یافته است و به همین دلیل دولت مجبور شده است ۵ میلیون تن گندم از خارج وارد کند تا بتواند مصرف داخلی را تأمین کند. (سلام ۱۵ تیرماه ۱۳۷۶). و روزنامه همشهری، در شماره شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۷۶ خود در یک مقاله شکوه آمیز نسبت به عملکرد دولت در زمینه کشاورزی نوشت: «رسانه های همگانی هفته پیش خبر از کاهش سطح زیر کشت پنبه در سال جاری به میزان ۱۳۷ هزار هکتار دادند. پیش از آن نیز اعلام شده بود که جمهوری اسلامی در سال جاری با وارد کردن ۶/۲ میلیون تن گندم به عنوان بزرگترین وارد کننده گندم جهان شناخته شده است و قبل از آن هم خبر رسیده بود که میزان تولید چغندر امسال ۵۰۰ هزار تن کاهش خواهد یافت...»

همچنین در روزهای پایانی شهریورماه، رسانه های همگانی جمهوری اسلامی، اخبار و گزارشهای مختلفی را از وضعیت ناگوار دهقانان برنج کار شمال کشور انتشار دادند. این گزارش ها خاطر نشان می سازد که اکثر کارخانه های برنج کوبی در استان گیلان، ملو از برنج کشاورزان است و بازار برنج و خرید و فروش آن به حالت رکود کامل درآمده است. روزنامه اطلاعات از قول یک دهقان برنج کار در منطقه فومن گیلان نوشته است: «امسال با وجود بالا بودن هزینه کاشت و سیر صعودی قیمت کود و سم، نرخ برنج در بازار کاهش زیادی یافته و این امر باعث خرابی کشاورزان شده است... اگر وضعیت به همین شکل ادامه پیدا کند، کشاورزان اراضی شالیزارها را تبدیل به استخر پرورش ماهی می کنند» برپایه آمار رسمی وزارت کشاورزی، ارسال (سال ۱۳۷۴) با کاهش قیمت برنج بیش از ۴۰ هکتار از شالیزارهای منطقه فومن در استان گیلان تبدیل به استخر پرورش ماهی شده است.

همچنین در گزارش دیگری، روزنامه اطلاعات از رشت خبر می دهد: «

ادامه شرایط دهقانان و کشاورزی ...

۷ میلیارد دلار است که تراز بازرگانی آن (۷۰۰ میلیون دلار) منفی است. به این ترتیب کاملاً روشن است که سخن از بیش از ۸۰ درصد خودکفایی در کشاورزی صرفاً جنبه تبلیغی داشته و ادعایی است بی پشتوانه نظیر دیگر ادعاهای جمهوری اسلامی! اما همین محصولات اندک تولید شده، نیز در برابر سیاستهای ضدملی از جمله واردات بی رویه، توام با زیان و خسارت هستند. بعنوان نمونه وزارت کشاورزی از آمار ۱۸۰ هزار تن دانه های روغنی در سال سخن می گوید؛ در ۱۴ شهریورماه امسال مطبوعات نوشتند: «واردات بی رویه، روغن نباتی داخلی را تهدید می کند. نزدیک به ۷۰۰۰ تن از محصولات کارخانه روغن نباتی مارگارین به علت سیستم نامناسب توزیع و ورود سرسام اوروسیم روغن خارجی در انبارها و محوطه این کارخانه انباشته شده است. مدیرعامل شرکت مارگارین در مصاحبه ای با کیهان می گوید: «روغن های وارداتی از نظر کیفیت و رعایت استانداردهای بین المللی هیچگونه برتری و مزیت به روغنهای داخلی ندارند مشکل تاثیر مخرب واردات خارجی است. در صورت ادامه این وضع ماضر خواهیم کرد و به تعطیلی کشانده می شویم و کشاورزان تولیدکننده دانه های روغنی هم متضرر می شوند...» همه اینها فقط جلوه های کوچکی از روندی است که سبب فروپاشی زندگی دهقانان و تولیدات کشاورزی میهن ما می شود. آخرین آمار رسمی که اداره بررسی های اقتصادی بانک مرکزی در نماگرهای اقتصادی به چاپ رسیده اعلام می دارد: «جمعیت کشور پارسال به ۶۰ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر شامل ۳۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر جمعیت شهری و ۲۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر جمعیت روستایی رسیده است». روند تخریب زندگی دهقانان میهن ما فاجعه فقر و بی خانمانی آنها به صورت مهاجرت گسترده از ده به شهر خودنمایی می کند. روزنامه رسالت در تاریخ ۲۷ آبان ماه ۱۳۷۲ از قول مدیرکل بهسازی و مسکن روستایی، وزارت جهاد سازندگی نوشت: «طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حدود ۲ میلیون نفر از روستاییان محل اقامت خود را ترک کرده و بیش از ۷۰ درصد آنها راهی شهرها شده اند، سالانه بیش از ۱۵۰ هزار نفر از روستاییان به شهرها مهاجرت می کنند. در حال حاضر بالغ بر ۳۸ هزار و ۶۰۰ آبادی کشور (بیش از ۵۰ درصد) خالی از سکنه هستند، تعداد آبادی های خالی از سکنه نسبت به دوده پیش (۵۰ و ۶۰ خورشیدی) بیش از ۲/۵ برابر شده است». چنین مهاجرت بی وقفه و گسترده، پیامد فقر و فروپاشی جامعه دهقانی کشور است. عدم اجرای اصلاحات ارضی مترقی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین، عدم بکارگیری تکنولوژی مدرن در کشاورزی و اتخاذ سیاست های مغایر با منافع دهقانان از سوی دولت سلسله مسایلی هستند که موجب دلیل فاجعه کنونی به شمار می آیند. نگاهی به ترکیب ساختار اشتغال در بخش های عمده اقتصادی نمایانگر کاهش میزان سهم بخش کشاورزی در تولید کشور است (نگاه کنید به جدول شماره ۱).

شافعی، رئیس سازمان اراضی کشور یادآور شده است: «در سطح کشور حدود ۵۱ میلیون هکتار زمین قابل کشت وجود دارد و در حال حاضر کمتر از ۱۹ میلیون هکتار از آن مورد بهره برداری قرار می گیرد» (رسالت ۱۰ مهر ۱۳۷۴) طبق آمار هر سال بیش از حدود ۷ میلیون هکتار از زمینهایی که آبی و یا دیمی دارند کشت نمی شوند. در مجموع یک سوم زمینها آبی و دوسوم دیمی می باشند. کل کشت گندم، ۶۵ درصد اراضی کشور را به خود اختصاص می دهد و بیشتر آن نیز دیمی است. بی توجهی و عدم سرمایه گذاری مناسب در مسئله آبیاری و مهار و استفاده بجا و درست از منابع آبی مشکلی بزرگ در کشاورزی میهن ماست. آمار رسمی جمهوری اسلامی نشان میدهد در سال ۱۳۷۴، بیش از ۱۲ هزار از آببند آبهای شمال کشور در گیلان و مازندران، پاک سازی، نوسازی و لای رویی نشده و انباشته از لجن می باشد. در سال ۱۳۶۷، مرکز آمار، تعداد واحدهای بهره برداری کشاورزی ایران را بالغ بر ۲ میلیون و شصت و هزار واحد اعلام کرده است. بیش از ۷۰ درصد واحدهای بهره برداری توسط دهقانان تهیه شده به مرحله عمل می رسد. این گروه دهقانی بین ۱ تا ۵ هکتار رابه زیر کشت می برند. ۴۸ درصد کشاورزی ایران شامل این گروه است. دهقانان خرده پا که بین ۲ تا ۵ هکتار را مورد کشت قرار می دهند، ۲۳ درصد کشاورزی رابه خود اختصاص می دهند.

این گروه نیز به دلیل بی بضاعتی، بانکار گذاشتن سهم مصرف خانوادگی،

ترکیب ساختار اشتغال در ایران

عنوان	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰
کشاورزی	٪۳۴	٪۲۹	٪۲۲/۴
صنعت	٪۳۴/۳	٪۲۵/۴	٪۲۶/۶
خدمات	٪۳۱/۷	٪۴۵/۷	۵۰/۸
مجموع	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

دیه نقل از نتایج سرشماری مرکزی آمار ایران، ۱۳۷۰

هزینه کاشت و هزینه کاشت سال آینده، دارای بنیه اقتصادی بسیار ضعیف هستند و اضافه تولید قابل توجهی برای عرضه به بازار و کسب درآمد ندارند. تنها ۲۹ درصد واحدهای زراعی، توانایی تولید برای فروش و اضافه تولید را دارا هستند که آنها نیز با کوهی از مشکلات روبرو می شوند مانند، دلالان - واسطه ها، سلف خرها و سیاستهای ضد دهقانی رژیم و کمبود نبود ماشین آلات کشاورزی و کود و بذر و سم به مقدار کافی و مناسب! توجه به این آمار نشان دهنده ضرورت به اجرا در آوردن اصلاحات ارضی مترقی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین است در مورد ماشین آلات کشاورزی، آمار حاکی است که یک تراکتورس اخت داخل قیمتی بالغ بر ۶ میلیون سرمایه می خواهد.

شرکت سایپا در سال ۱۳۷۳ در کل ۵ هزار تراکتور تولید کرده که به هیچ رو، حتی کفاف نیمی از نیازهای کشاورزی رانمی دهد. تازه در سالهای اخیر به دلیل ورشکستگی مالی رژیم و بازپرداخت بدهی های خارجی خط تولید تراکتور بارکورد مواجهه شده است. در ارتباط با سم، کود و بذر اصلاح شده وضعیت به مراتب وخیم تر می باشد. میرزاده معاون رفسنجانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه در گزارشی به مجلس اعلام کرد «مصرف کود ما به ۲ میلیون و هشتصد هزار تن در سال رسیده است، الان چیزی نزدیک به ۱ میلیون و هشتصد هزار تن است...» علاوه بر این مشکلات، بختک واسطه ها و دلالان که همگی بوسیله ارگان ها و نهادهای حکومتی مورد حمایت مستقیم و غیر مستقیم قرار دارند، زندگی را بر زحماتشان روستایی تباه کرده است.

روزنامه کیهان چاپ تهران در گزارشی می نویسد: «یکی از کشاورزان صیفی کاری می گوید، در سال جاری قیمت گوجه فرنگی در میادین بزرگ تهران از ۷۰۰ تا ۲۵ تومان در نوسان بوده است، این نوع نرخ گذاری کمر تولید را می شکند و سود فراوانی نصیب دلالان بزرگ میادین میوه و تره بار می سازد... قیمت محصولات کشاورزی به دست تعدادی از دلالان میادین میوه و تره بارتعیین می شود». این گزارش نمونه کوچک از چپاول و غارتگری واسطه ها و دلالان مورد حمایت حکومت در زمینه محصولات کشاورزی است جمهوری اسلامی خط فقر برای ساکنان روستا را معادل ۳۸ هزار تومان درآمد ماهیانه اعلام داشته است. حتی با در نظر گرفتن چنین میزان و معیاری، بخش بزرگی از دهقانان ایران زیر خط فقر قرار خواهند داشت. با توجه و در نظر گرفتن مجموعه مسایلی که بیان شد، مادر روستا و در میان دهقانان بازرش لایه بندی و تغییرات بزرگ روبرو هستیم. برخلاف ادعاهای سران رژیم، دهقانان میهن ما نیز، مانند اکثریت مطلق زحماتشان ایران در سایه حکومت سیاه «ولایت فقیه» به سر اشیب فقر و عقب ماندگی پرتاب شده اند. در این رهگذر تولیدات کشاورزی نیز سیر نزولی و خطرناکی به خود گرفته است. در همین رابطه و در تایید این واقعیت، در ماه مارس سال جاری میلادی، هفته نامه اقتصادی مید، گزارش سازمان جهانی خواربار (F.A.O) وابسته به سازمان ملل متحد را انتشار داد. در این گزارش آمده: «ایران پس از مصر دومین واردکننده گندم در خاور میانه می باشد...»

فقر دهقانان و مهاجرت گسترده آنان به شهرها، سقوط تولید محصولات

ادامه: پایان يك دوران...

برخی آزادی ها و تحولات اساسی در راستای بازسازی کشور ارزیابی کنند. «آشتی ملی»، «وفاق ملی»، و «دموکراسی در حال تولد» از جمله شعارها و تصویری بودند که از سوی برخی از نیروها و شخصیت های سیاسی کشور، و همچنین بخش های وسیعی از اقلات میانی و روشنفکران جامعه در توضیح این دوران به کار برده شدند. کشورهای غربی از رفسنجانی به عنوان «مرد نیرومند» و «پراگماتیک» رژیم که غرب می تواند با او معامله کند، نام بردند و بدین سان خوش بینی های زیادی در داخل و خارج از ایران برای تحقق تحولات بنیادین به «ابتکار» رفسنجانی دامن زده شد. این ائتلاف در نخستین گام خود با پاکسازی عناصر «تند رو» از مجلس شورای اسلامی راه را برای پیاده کردن برنامه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود باز کرد و آنچه که ما امروز در ایران شاهد آن هستیم «دست آورد های» یک حکومت ائتلافی هشت ساله از طرفداران رفسنجانی، خامنه ای و گروه مرتجع روحانیون محافظه کار - «گروه رسالت» می باشد. به اعتراف خود رفسنجانی این گروه بدون هیچ مقاومت و مانع اساسی در هشت سال گذشته آزاد بوده است تا هر برنامه و سیاستی را اعمال کند و واقعیت نیر این است که این کار راهم کرده است. حال باید دید مشخصه های اساسی این سیاست ها و اثرات آن در جامعه ما چه بوده است تا بتوان کارنامه دقیق تر و واقعی تری از دوران هشت ساله حکومت «سردار سازندگی» ارائه داد.

۱- کارنامه سیاسی دولت رفسنجانی

دوران حکومت هشت ساله رفسنجانی با یک سری «رفرم» های بسیار سطحی برای تخفیف اختناق آغاز گردید. رفسنجانی و دیگران از لزوم «آزادی» و «آزادی انتقاد» سخن گفتند و رفسنجانی از ایرانیان خارج از کشور خواست به ایران بازگردند و در کار «سازندگی» کشور شرکت کنند. ولی این دوران چندان دوامی نیاورد، با رشد جنبش های اجتماعی، با رشد خواست های مردمی برای آزادی و ... رژیم هراسناک از خارج شدن کنترل اوضاع از دستش بازی با «آتش» را کنار گذاشت و بدین ترتیب تصور خام استقرار آزادی به دست رفسنجانی و شرکاء مانند حبابی ترکید. نامه سرگشاده ۹۰ تن از شخصیت های سیاسی و اجتماعی از جمله بازرگان، سحابی، یزدی، سید جواد و ... در اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ خطاب به رفسنجانی که با یورش وسیع ارگان های امنیتی و دستگیری و شکنجه ده ها تن از نویسندگان نامه و سپس به راه افتادن شوهای مسموم کننده تلویزیونی از دستگیر شدگان منجر گردید ماهیت و محتوای «رفرمیست» بودن رفسنجانی و شرکای او را به عیان نشان داد. ۹۰ نفر از شخصیت های ملی که خود از هواداران نظریه «رفرم» و «استحاله» رژیم بودند در نامه سرگشاده شرایط سیاسی و روند تحقق «آزادی» به دست رفسنجانی را این طور تحلیل کردند: «از آزادی های عمومی و امنیت های سیاسی و قضائی و اقتصادی و از حاکمیت قانون و ملت آن طوری که در قانون اساسی مصوبه آراء عمومی سال ۵۸ تعیین و تضمین شده است چیزی جز خاطرات و آرزو باقی نمانده است. بندهای اختناق و انحصار سال به سال تنگ تر و تیز تر شده است. نظام جمهوری با گام های بلند خصوصاً بعد از بازنگری و اختیارات مافوق قانون که رهبری و حاکمیت به خود داده اند سیر قهقراپی... به استبداد مطلقه و به سلطه و سلطنت موروثی روحانیت نموده است...».

حزب ما از معدود نیروهای سیاسی کشور بود که به روشنی ماهیت «رفرمیستی» بودن حکومت رفسنجانی و شرکاء را افشاء کرد و در پاسخ به این سؤال که آیا «رفرم» در جمهوری اسلامی امکان پذیر است نوشت: «از ما می پرسند: آیا رژیم حاکم کنونی «قابلیت» رفرم و یا اصلاحات را دارد؟ ... وقتی از رفرم یا اصلاحات سخن به میان می آید، هدف قاعدتا باید نه دگرگون ساختن، نه از هم پاشاندن، بل اصلاح این یا آن اشتباه، کژروی، ناهنجاری سیاسی اجتماعی و یا اقتصادی منطبق با ویژگی این یا آن کشور مورد نظر در شرایط مشخص تاریخی باشد. ممکن است کشوری دارای اقتصاد سالم باشد و رونمای سیاسی آن اراده اکثریت را بازتاب کند و به همین سبب نیاز به رفرم اجتماعی داشته باشد. و یا رونمای سیاسی اصلاح بخواهد و ... کشور ما در زمره هیچ یک از این گروه جوامع نیست. در جمهوری اسلامی ایران یک رونمای سیاسی با مضمون دیکتاتوری مذهبی حکمروایی می کند. اصل «ولایت فقیه» با بی آمدهای مخرب آن مضمون و محتوای این رونمای را تشکیل می دهد. بنابراین برای آنکه رژیم کنونی

«قابلیت» رفرم داشته باشد، باید به عنوان شرط نخست پایه و بنیادی را که رژیم بر آن استوار است، تغییر دهد و یا به بیان دیگر باید «ولایت فقیه» را طرد کند. در غیر این صورت رفرم سیاسی باید به تحول کیفی حاکمیت تغییر شکل دهد...» («نامه مردم» شماره ۳۶۱ - سه شنبه ۷ آبان ۱۳۷۰).

دوران حکومت رفسنجانی به عنوان رئیس قوه اجرایی دورانی است که ترور و اختناق در درون کشور ادامه یافت، قیام های مردمی در مشهد، شیراز، قزوین و تبریز با شدت و به شکل وحشیانه ای سرکوب گردید، جنبش خلق ایران در کردستان و بلوچستان به خاک و خون کشیده شد و مردم جان به لب رسیده «اراذل و اوباش» ی نامیده شدند که قصد به هم زدن امنیت عمومی را داشته اند، و اعتصاب های کارگری با یورش وحشیانه گزمنگان رژیم روبرو گردید. این دوران همچنین مصادف است با تشدید فعالیت ارگان های سرکوب رژیم در خارج از کشور و اعزام گروه های ترور برای قتل مخالفان. ترور ده ها تن از ایرانیان مبارز در ترکیه، پاکستان، ایتالیا، اتریش و آلمان از «دست آوردهای» دولت هاشمی در این زمینه است. روند تشدید انحصار و اختناق تا آن حد جلو رفت که حتی نیروهای «خط امامی» پاکسازی شده از مجلس شورای اسلامی به ناچار برای مدتی از صحنه سیاسی کنار رفتند و فعالیت های خود را کاهش دادند و یا متوقف کردند. اعمال این سیاست ها به منظور تأمین ثبات برای رژیم «ولایت فقیه» در دوران پس از مرگ خمینی از سیاست های موثری بود که توسط ائتلاف حاکم به کار گرفته شد و توانست ادامه کاری رژیم تا به امروز را در نبود مبارزه سازمان یافته توده ای در درون کشور تأمین کند. انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی و پاکسازی خشن نیروهای مخالف ائتلاف رفسنجانی - خامنه ای از مجلس از نمونه های بارز اعمال چنین سیاست هایی است. محتوای این دوران را می توان در این سخنان داود توحیدی، نماینده بروجرد خلاصه کرد. وی در پاسخ به رفسنجانی که به نمایندگان پاکسازی شده از مجلس سفارش کرده بود «از کاندیداها خواهش می کنم ملاحظات اخلاقی، انقلابی، اسلامی، ملی را فراموش نکنند، بعداً پشیمان می شوند...» (کیهان ۲۹ فروردین ۱۳۷۱)، از جمله گفت: «آیا جواب مردمی که آمده اند و گفته اند که آراء ما به کجا رفته، در یک صندوق ما سه هزار رای داشتیم، چطور شده هزار رای خوانده شد، با مسلسل است؟ آیا باید با رگبار مسلسل جواب آنها را بدهند؟ چگونه در یک بخشی که مردم فقط حرفشان این است که آقا صندوق را بازشماری کنید، نیروهای انتظامی علناً باید با اسلحه روبروی آنها بایستند و تعداد زیادی از آنها را به خاک و خون بکشند... آقایان باید وقیحانه با خانواده های شهدا اینچنان برخورد کنند. آنها را بیاورند داخل پادگان لخت کنند و بزیر پایشان آب بریزند و با شلاق و کابل بزنند که رگهای دستهای آنها از بین برود و خونریزی شدید ایجاد شود...».

۲- کارنامه اقتصادی - اجتماعی سردار «سازندگی»

از مهمترین «دست آوردهای» دوران هشت ساله حکومت رفسنجانی در این زمینه را می بایست اعمال سیاست «تعدیل اقتصادی» که از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دیکته شده بود دانست. شروع رسمی این سیاست را می توان به سال ۱۳۷۱ به هنگام ارائه بودجه سال ۷۲ نسبت داد که رفسنجانی در آن هنگام خواهان برجیده شدن «سوسپیداها» و برابری نرخ ارزی گردید. امروز پس از گذشت شش سال و بررسی کوتاهی از آمار و ارقام ناقص و مخدوش خود رژیم نیز این حقیقت را اعتراف می کند که این سیاست چیزی جز یک تجربه فاجعه بار به ضرر اکثریت عمده توده های کار و زحمت نبوده است. در حالی که ثروت اندوخته شده در دست عده ای محدود از جمله نزدیکان و خویشاوندان سران و گردانندگان رژیم سر به میلیاردها می زند و نقدینگی بخش خصوصی به اعتراف رئیس کمیسیون بودجه و برنامه مجلس به بالاترین حد در تاریخ ایران و به رقم نجومی بیش از ۹۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ رسیده است اکثریت عظیم مردم هر روز با دشواری های تازه تری برای گذران امور خود مواجه هستند. در این دوران صنایع تولیدی کشور روند رکود جدی را طی کرده است و بدنبال ورود ده ها میلیارد دلار اجناس مصرفی خارجی در مرحله نخست اجرای این سیاست ها، افزون بر کاهش چشمگیر تولید داخلی میلیاردها دلار بدهی خارجی بیار آمده است که اثرات مخربی بر حیات اقتصادی کشور برجای گذاشته است. تورم در دوران هاشمی بنابر ارقام رژیم از ۲۰ درصد تا ۵۸ درصد رشد کرده است و اگر این آمار را بپذیریم در انتهای این دوران تازه به حدود قبلی آن، که در مقایسه با کشور های پیشرفته

رویدادهای جهان



ترکیه بر سر دوراهی

تصمیم اخیر اتحادیه اروپا به شروع مذاکره با پنج کشور اروپای شرقی و همچنین قبرس برای پیوستن آنان به این کلوب قدرتمند کشورهای سرمایه داری اروپا، ترکیه را شدیداً برآشفته کرده است. در خواست عضویت ترکیه بیش از ۱۰ سال است که مطرح بوده، لیکن هیچ تصمیم مساعدی درباره آن گرفته نشده است. ترکیه تصور می کرد که بدنبال انعقاد وحدت گمرکی در سال ۱۹۹۶، پیوستن آن به اتحادیه اروپا سریعاً انجام خواهد شد. ولی تنها ثمر وحدت گمرکی سرازیر شدن کالاهای اروپایی به بازار ترکیه و افزایش عدم موازنه تجاری این کشور با اتحادیه اروپا بوده است. کمک های مالی اتحادیه اروپا به ترکیه نیز به دلیل مخالفت یونان و نیز انتقادات پارلمان اروپا بر سر نقض حقوق بشر در ترکیه امید این کشور را به هرگونه کمکی نقش بر آب کرده است.

اسماعیل چم، وزیر خارجه ترکیه در روز ۳۰ تیرماه گفت: «ما معتقد بودیم که اتحادیه گمرکی قدمی به سوی عضویت کامل ترکیه در اتحادیه اروپا است، ولی این امر صورت نپذیرفته است» و اضافه کرد «عدم موازنه تجاری ما با اتحادیه اروپا که در سال ۱۹۹۵، ۵ میلیارد پوند بود بعد از انجام وحدت گمرکی در سال ۱۹۹۶ ۱۱ میلیارد پوند افزایش یافت». در اظهاراتی که می توان آن را تهدید غیر مستقیم اتحادیه اروپا دانست او گفت که ترکیه ممکن است به سوی شرکای دیگری برود. او گفت: «ترکیه محکوم به تحمل پروسه انتظار برای عضویت در اتحادیه اروپا که مدت و نتیجه آن مشخص نیست، نمی باشد». او اضافه کرد که ترکیه علاقمند به گسترش روابطش با هندوستان، چین و روسیه است.

تانسو چیلر و جاسوسی برای سیا!

دادستان نظامی ترکیه تحقیقات دامنه داری را در مورد گزارش یک روزنامه چپگرایی ترکیه که خانم تانسو چیلر، نخست وزیر سابق را متهم به جاسوسی به نفع سازمان سیا نموده است، آغاز کرد. بر طبق مدارک منتشر شده در روزنامه حزب کارگران ترکیه، خانم چیلر قبل از اینکه برای تحصیل در اوایل ۱۹۷۰ به ایالات متحده برود خود پیشقدم عضویت و همکاری با سیا شد. اینکه نیروهای نظامی ترکیه این اتهامات را جدی گرفته و دنبال می کنند به دلیل انتقادی

است که آنان از شرکت خانم چیلر در دولت ۱۱ ماهه مسلمانان حزب رفاه دارند و به اصطلاح می خواهند در تلافی به او ضربه بزنند. دادستانی نظامی همچنین یک وزیر کشور پیشین ترکیه را به جاسوسی علیه نیروهای نظامی متهم نموده و یک مسؤول اطلاعاتی پلیس را با اتهام مشابه دستگیر کرده است. سفارت آمریکا در آنکارا گفت: «هرگونه اشاره ای به وجود رابطه مخفی بین خانم چیلر و دولت آمریکا یک دروغ محض است». خانم چیلر خود اظهار داشت: «هر کسی که این ادعاها را جدی بگیرد باید از خودش خجمل باشد».

تعدی و تجاوزگری امپریالیسم آمریکا

رییس جمهور آمریکا، بیل کلینتون، در ۲۶ تیرماه مدعی شد که تلاش برای سرنگون کردن دولت کوبا دارد کم کم به نتیجه می رسد. بیل کلینتون ادعای خود را در جریان اعلام صرف نظر کردن از یک قانون در مورد تحریم کوبا برای مدت ۶ ماه مطرح کرد. کلینتون اعلام کرد صرف نظر کردن از این بخش ها جهت اجتناب از بروز اختلاف با متحدان اروپایی و در عمل ادامه موثرتر همکاری ها «در جهت هدف مشترک برای پایان دادن به ۳۸ سال» حاکمیت سوسیالیسم در کوبا بوده است. میگوئل آلتونسو، سخنگوی وزارت خارجه کوبا گفت که امپراطوری ایالات متحده برای ۶ ماه حاکمیت جهان را تصدیق کردند لیکن مساله این است که این قانون در کل به ایالات متحده اجازه می دهد که در خارج از مرزهای خود قوانینی را وضع و اعمال نماید. و «این امر برای ما غیر قابل قبول است».

قانون هلمس برتون که هدف آن متوقف کردن سرمایه گذاری خارجی در کوبا است، سال گذشته به امضاء رسیده و مورد مخالفت شدید اتحادیه اروپا قرار گرفته است. لئون بریتان، از اعضای سرشناس دستگاه اجرایی کمیسیون اروپا گفت: «کمیسیون قاطعانه مخالف قوانینی از این دست می باشد که محدوده قضایی آمریکا را به خارج از مرزهایش گسترش می دهد».

رفرم امپریالیستی سازمان ملل!

ایالات متحده در ۲۶ تیرماه پیشنهاد کرد که آلمان و ژاپن و همچنین ۳ کشور در حال توسعه به ترکیب اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل بپیوندند. آمریکا در نظر دارد که یک کشور به نمایندگی از قاره های آسیا، افریقا و آمریکای لاتین در ترکیب شورای امنیت شرکت کنند.

نیل ریچارد سون، نماینده ایالات متحده در سازمان ملل گفت که آمریکا با هر پیشنهاد دیگری که متضمن افزایش اعضای کنونی شورای امنیت یعنی ۱۵ عضو به بالاتر از ۲۰ و یا ۲۱ عضو باشد، مخالف است. در ترکیب کنونی ۵ کشور عضو دائمی شورا و دارای حق وتو هستند و ۱۰ عضو دیگر هر دو سال یک بار انتخاب می شوند. پیشنهاد رفرم ترکیب شورای امنیت، جزو طرح های مطروحه برای اصلاح ساختار سازمان ملل می باشد که در ۴ سال گذشته مورد مطالعه یک کمیته منتخب مجمع عمومی سازمان ملل در رابطه با رفرم شورای امنیت بوده است.

نیروهای متفاوتی مخالفت خود را از زوایای گوناگون با پیشنهاد آمریکا اعلام کرده اند. سنای آمریکا این طرح را مردود شمرده است. سناتور جسی هلمس صدر کمیته روابط خارجی سنا مخالفت خود را علنی کرده است. او معتقد است که به اعضای جدید حق وتو نباید داده شود و این امتیاز باید در انحصار ۵ عضو اصلی بماند.

برخی کشورهای سرمایه داری مخالفت خود را با پیشنهاد آمریکا در جامه لزوم تصریح و سرعت بخشیدن به پروسه تصمیم گیری پوشانده اند. آنها معتقدند که گسترش تعداد اعضای شورای امنیت پروسه تصمیم گیری و عمل را بر مسایل عمده جهان کندتر خواهد کرد و مطرح می کنند که عضویت کشورهای جهان سوم در کنار ۵ عضو دائمی، می تواند باعث تقابل نظرات و جلوگیری از تصمیم گیری های مشکل و حساس شود.

تحریکات ناتو در بالکان!

قتل یک رهبر سابق نیروهای صرب در بوسنی و دستگیری یک رهبر سابق دیگر توسط نیروهای غربی «محافظ صلح» در این منطقه بار دیگر انظار را متوجه بحران عمیق منطقه بالکان کرد. نیروهای ویژه هواپرد انگلیس که به سببیت، سرعت، حرفه ای بودن معروفند، یک رییس سابق پلیس محلی را کشته و یک دکتر را که در طول دوره جنگ معاون شهردار پری ژدور بود دستگیر کردند.

اقدام نیروهای وابسته به ناتو جو بحرانی ای را ایجاد کرده است. صرب ها معتقدند که کشورهای امپریالیستی غرب به طور یک جانبه علیه آنان و در حمایت از نیروهای کروات و مسلمان عمل می کنند. صرب های بوسنی شاکی هستند که ناتو حاضر است هر ادعایی از سوی مسلمانان و کروات ها را برای بازگشت به خانه هایشان مورد حمایت قرار دهد لیکن قدمی در دفاع از حق صدها هزار صرب که زیر تهدید اسلحه مجبور گردیده اند خانه های خود را ترک کنند بر نمی دارد.

آنها همچنین مطرح می کنند که گرچه بیشتر فرماندهان نظامی صرب به جنایات جنگی متهم شده اند، فقط چند مسلمان و کروات به دلیل شکایات صرب ها دستگیر و یا محکوم شده اند. در اعتراض به چنین وضعیتی است که تظاهرات اعتراض آمیز در سراسر مناطق صرب نشین صورت می گیرد. صرب ها با بزرگداشت رهبر به قتل رسیده خود عملاً مخالفت با حضور و عمل کرد نیروهای ناتو را به نمایش می گذارند. دولت روسیه نیز از اقدام نیروهای انگلیسی در قتل و دستگیری رهبران سابق صرب ها انتقاد کرده است.

بدون شک ناتو امیدوار است که این اقدام خونین و ضربتی به مثابه ضرب سستی به نیروهای مخالف و صرب ها آنها را مجبور کند که تعبیر و تفسیر غرب را از طرح صلح قبول کنند. ولی نشانه های واضحی در دست است که این گونه برخورد نه تنها به صلح و آشتی کمک نمی کند بلکه منطقه را دوباره به لبه پرتگاه جنگ و کشتار خواهد برد.

ادامه: پایان يك دوران ...

۲۰ برابر زیادتر است، کاهش یافته است. بر خلاف گزاره گویی رفسنجانی مبنی بر رساندن کسری بودجه دولت به صفر، آمار دولت به هنگام ارائه بودجه سال ۱۳۷۶ نیز این ادعا را نفی می کند. بر اساس ارقام ارائه شده در بودجه سال ۱۳۷۶، شرکت های دولتی ۱۹۹۰۰ میلیارد ریال برای تأمین مخارج خود وام دریافت می کنند و دولت برای تأمین سایر هزینه ها ۲۲۵۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت با دولت می فروشد و ۳۰۰ میلیارد ریال نیز آموزش و پرورش از سیستم بانکی کشور وام می گیرد. به عبارت دیگر در مجموع ۴۵۴۰ میلیارد ریال، و به تعبیر دیگری بیش از ۸ درصد کل بودجه عمومی کشور از طریق استقراض دولت از سیستم بانکی کشور تأمین می گردد. موضوع خودکفایی صنعتی - کشاورزی کشور نیز از جمله عرصه های دیگر ادعاهای فربکارانه «سردار سازندگی» است که با آمار و ارقام خود رژیم نیز هیچگونه همخوانی ندارد. واقعیت این است که اقتصاد ایران هنوز عمدتاً بر پایه درآمدهای ارزی نفت استوار است و سطح تولیدات صنعتی حتی قادر به تأمین بخش کوچکی از نیازهای ارزی کشور نیست. حتی بر اساس خوشبینانه ترین ارزیابی ها که رفسنجانی به آن استناد می کند، صادرات غیر نفتی ایران در سال گذشته به یک میلیارد دلار رسیده است که در مقایسه با درآمد نفت، یک بیستم آن است. در عرصه خودکفایی کشاورزی تنها کافی است اشاره کنیم که در همین هفته های اخیر اعلام شد که ایران با وارد کردن بیش از ۶ میلیون تن گندم در سال گذشته بزرگترین وارد کننده گندم در جهان بوده است. افسانه خودکفایی رژیم جمهوری اسلامی نیز چیزی نیست جز ادعاهای دروغ سران رژیم. روزنامه همشهری در اعتراض به «سوزاندن دلارهای نفتی» در شماره شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۷۶ خود نوشت: «جمهوری اسلامی ایران در سال جاری با وارد کردن ۶/۲ میلیون تن گندم به عنوان بزرگترین وارد کننده گندم جهان شناخته شده است. مقامات گمرک کشور نیز در اعلام عملکرد خود عنوان داشتند که میزان واردات در دو ماهه سال جاری نسبت به سال گذشته از نظر وزن ۶۷ درصد افزایش یافته و به ۴/۸ میلیون تن رسیده است و جالب توجه اینکه از ۴/۸ میلیون تن واردات صورت گرفته ۲/۹ میلیون تن آن مربوط به گندم، شکر، جو، گوشت، روغن نباتی و کود شیمیایی بوده است...»

اگر بخواهیم مشخصه های این دوران را ارزیابی کنیم می بایست آن را در تشدید فقر و محرومیت اکثریت عظیم مردم و فربه تر شدن و ثروتمندتر شدن اقلیتی معدود خلاصه کنیم. امروز گستردگی فقر و محرومیت در جامعه ما بیداد می کند و تورم افسار گسیخته و فشار کمر شکن اقتصادی تأمین یک زندگی حداقل را برای بخش های وسیعی از جامعه غیر قابل دسترس ساخته است. اتفاقی نیست که معاون وزارت کار و امور اجتماعی ناچار است اعتراف کند که با توجه به تورم درآمد واقعی کارگران نسبت به سال ۱۳۵۸، نزدیک به ۵۸ درصد کاهش یافته است.

پایان سخن

دوران هشت ساله حکومت وعد و وعیدهای گویلیزی به پایان رسید. ولی مردم زحمتکش میهن ما همچنان گرفتار استبداد، اختناق، ترور و محرومیت روز افزون باقی مانده اند.

استعمار انگلیس از هنگ کنگ بیرون رفت

نوشته ویلیام پومروی

«نامه مردم» در شماره گذشته مطلب مفصلی پیرامون انتقال هنگ کنگ به دولت چین منتشر کرد. آنچه در زیر آمده است خلاصه ای از مطلب رفیق ویلیام پومروی، از چهره های قدیمی جنبش کمونیستی است که نکات جالبی پیرامون آخرین توطئه های فرماندار انگلیسی هنگ کنگ طرح می کند

«...هنگ کنگ، که موفق ترین مستعمره انگلستان محسوب می شد، از آغازی ناپخته برخاست تا «بیر» اقتصادی امروز گشت، پر از صنایع کوچک که بر چسب «ساخت هنگ کنگ» را به بازارهای جهان رسانده است، محل تمرکز یک تجارت واردات-صادرات عظیم، به مثابه یکی از مهم ترین مراکز اقتصادی، با جمعیت ۶/۴ میلیون نفری که ثروت سرانه بیشتری از ژاپن و آلمان دارد. این گسترش عمدتاً پس از انقلاب چین و به ویژه در زمان توسعه عظیم اقتصادی چین در دهه های اخیر صورت پذیرفت. در آن سال ها، هنگ کنگ «دروازه غرب برای تجارت با چین» نامیده می شد، که به واسطه مدارا کردن چین در استفاده از آن به منزله یک ناحیه تحت سلطه امپریالیسم امکان پذیر گردید. به گفته هنگ کنگ انگلیسی و شرکت بانکی شانگای: «نیمی از تمامی صادرات چین به وسیله شرکت های هنگ کنگ انجام می پذیرد و بیست و دو درصد تمامی تجارت چین با هنگ کنگ است». گروه های پر نفوذ تجاری و بانکی هنگ کنگ بیش از سه میلیارد دلار در چین سرمایه گذاری کرده اند و قراردادهایی در مراحل مختلف به مبلغ دوازده میلیارد دلار در دست است. در واقع، چین از هنگ کنگ به عنوان مرکز گردآوری سرمایه برای پروژه های توسعه استفاده کرده است. هر نگرانی در مورد این که حاکمیت چین چنین منبع اقتصادی را نابود کند مسلماً بی پایه است. هنگامی که قرارداد خارج شدن انگلستان در سال ۱۹۸۴ مورد توافق واقع شد، با اعلامیه مشترک درباره هنگ کنگ که توسط نخست وزیر مارگارت تاچر به امضاء رسید، انتظار ادامه نفع اقتصادی برای انگلیس تصریح گردید. این معامله توسط سفیر وقت انگلیس پرسی کرداک با همدستی منافع شرکت های بزرگ انگلیسی و سرمایه داران چینی در هنگ کنگ ابداع شد. در این اعلامیه چین تعهد کرد که سیستم کنونی را تا پنجاه سال تحت خط مشی «یک کشور، دو سیستم» حفظ کند، و نوید یک قوه مقننه انتخابی را داد که در «هنگ کنگ با درجه بالایی از خود مختاری حکومت کند». بالاتر از همه، اعلامیه مشترک از طرف هر دو کشور بر پایه ملاحظات اقتصادی بوده است. از آن هنگام یک عامل سیاسی از نوع جنگ سرد وارد صحنه شد، و این پس از برگزیدن یک فرماندار جدید مستعمره برای اداره آن تا دوره واگذاری بود. کریس پتن یک دیپلمات با تجربه نبود بلکه یک سیاستمدار انگلیسی و عضو سابق پارلمان بود که حرفه امید بخشش در حزب توی با شکست انتخاباتی روبرو شده بود. گماشتن او در هنگ کنگ با این هدف انجام شد که گسترش سیاسی و همچنین اقتصادی چین را حتی پس از بازگشت (به چین) تحت نفوذ درآورد. پتن، به عنوان فرماندار، عملاً بر نهاد به اصطلاح دموکراتیک هنگ کنگ تأکید کرد، آنهم در مقایسه با چهره ای مستبد از چین. از واقعه میدان تیان آن مین در پکن در سال ۱۹۸۹ برای زیر ذره بین بردن این مقایسه استفاده شد. هنگ کنگ پایگاه مخالفین چین در تبعید و تظاهرات سالانه بر ضد پکن در «روز تیان آن مین» شد. واگذاری مودبانه ای که به موجب اعلامیه مشترک ۱۹۸۴ انجام شد، در این جو بسیار تلخ برگزار گردید. پتن با تزریق طرح های جدید دموکراتیک در مستعمره وضعیت را بیشتر برانگیخت. در تمامی سال های موجودیتش، هنگ کنگ هیچگاه دولت انتخابی نداشت، همه چیز انتصابی بود، فرماندار، شورای اجراییه و مقننه، همه دولت مردان. پتن یک نهاد قانون گذار انتخابی را ابداع کرد و در سال ۱۹۹۵ یک انتخابات برگزار نمود. حزبی که اکثریت کرسی ها را بدست آورد،

حزب دموکراتیک، یک حزب دست راستی ضد پکن بود که مخالف حاکمیت چین است. این گام که یک نهاد قانون گذار ضد کمونیست را پس از بازگشت چین به روی کار می آورد، به طور روشن با محاسبه برای ایجاد حداکثر مشکل و درهم گسیختگی برای چین انجام پذیرفت. این تحریک جدی به طور طبیعی احساس ضد پتن و ضد انگلیسی را در میان رهبران و مردم چین برانگیخت...»

کمک های مالی رسیده

- ونکور کانادا به یاد رفیق خسرو
- روزبه ۱۰۰ مارک
- کیوان ۷۰ مارک
- در راه کنگره ۷۰ مارک

29 July 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام: IRAN e. V.
شماره حساب: 790020580
کد بانک: 10050000
بانک: Berliner Sparkasse

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:511

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>